

۷۷۷

# اعطای بینش در سیره تربیتی پیامبر (ص)

حبيب الله شريفی

مقدمه

قبل از آنکه به موضوع روش اعطای بینش در سیره تربیتی پیامبر (ص) بپردازم لازم می دانم که به این مسأله اشاره نمایم. بطور کلی سه نوع روش برای تربیت وجود دارد:

## ۱. روش شناختی یا بینشی

مقصود از روش های شناختی یا بینشی آن دسته از روش های تربیتی است که مربی در مرتبه علم و آگاهی و شناخت ایجاد می کند و بعد عقلانی ذهنی او را تقویت می کند.

## ۲. روشهای عاطفی یا گرایشی

منظور از روشهای عاطفی یا گرایشی، روشهای تربیتی است که مربی در مرتبه میل و رغبت و انگیزه درونی نسبت به انجام دادن یک عمل ایجاد می کند.

## ۳. روشهای عملی یا رفتاری

روشهای عملی یا رفتاری آن دسته از روشهای تربیتی است که مربی، مرتبه را از بیرون وادار به انجام دادن عمل می کند. خواه مرتبه از صمیم قلب میل به انجام آن عمل داشته باشد و یا نداشته باشد.

البته برخی از روشهای تربیت ممکن است هم جنبه ای شناختی داشته باشد و هم جنبه عملی، یا اینکه هر سه جنبه را داشته باشد اما در مجموع همین سه روش برای تربیت وجود دارد، آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت روش اعطای بینش است که مربوط به بخش شناختی می شود. این روش یکی از مهمترین روشهای تربیت در سیره تربیتی پیامبران بویژه پیامبر گرامی اسلام می باشد.

### کلیات:

#### معنای لغوی بینش

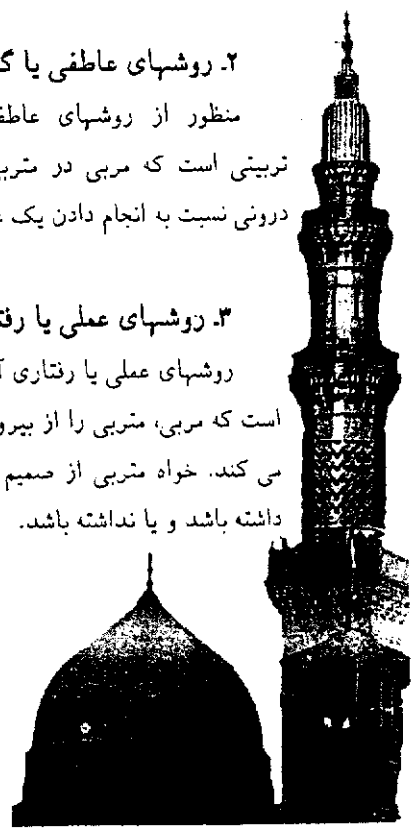
بینش: اسم مصدر از دیدن، بینایی: بینندگی، بصیرت و به معنی نگاه و نظر است.<sup>(۱)</sup>

#### معنای اصطلاحی

بینش (بصیرت) به آگاهی عمیق و گسترده فکری و عقلی اطلاق می شود که آدمی را با واقعیت های مورد نظر و اساسی (خدا، جهان، انسان) آشنا سازد و موجب می شود که انسان در زندگی خود مسیر درست را انتخاب نموده و طی کند، نسبت به هستی نگاه واقع بینانه پیدا کند.

#### مفاهیم پایه بینش

الف) بینش آگاهی عمیق و گسترده است نه سطحی و ظاهری.



ب) بینش جنبه ای عقلانی و فکری دارد نه احساسی و عاطفی.

ج) بینش با واقعیت های اساسی سرو کار دارد مانند خدا، انسان و جهان.

د) بینش ممکن است ناشی از درون باشد (علم مطبوع) یا از بیرون (علم مسموع).

امام علی(ع) فرموده است: العلم علمان: مطبوع و مسموع، و لا ینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع<sup>(۲)</sup>

علم دو گونه است: علم فطری و علم اکتسابی علم اکتسابی اگر هماهنگ با علم فطری نباشد سودمند نخواهد بود.

### واژه های مترادف

واژه های مترادف بینش عبارت اند از: آگاهی، علم، معرفت، شناخت و بصیرت از این میان در قرآن کریم واژه «بصیرت» را می توان معادل «بینش» در نظر گرفت:

### استعمال واژه بصیرت در قرآن کریم

اکثر مشتقات ماده بصیرت در قرآن کریم بکار رفته اند. مانند: بصیر: «والله بصیر بالعباد» آل عمران/ ۱۵.

بصیره: «بل الانسان علی نفسه بصیره» قیامت/ ۱۴.

بصائر: «قد جئکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی لعلیها» انعام/ ۱۰۴.

ابصار: «ان فی ذلك لعیبره لاولی الابصار» آل عمران/ ۱۳.

و سایر مشتقات ماده بصیرت هم بکار رفته اند که پرداختن به تمام آنها در فرصت این مقال نیست.

### معنای بصیرت

بصیرت هم معنای مصدری دارد (بینایی و آگاهی) و هم معنی وصفی دارد (شخص آگاه) و لذا آن را به معنی «حجت و دلیل و برهان» که آگاهی بخش است تفسیر کرده اند و به این ترتیب این واژه بیشتر در مورد بینش های فکری و عقلی استعمال می شود ولی گاه به تمام اموری که مایه درک و فهم مطلب است اطلاق می شود.<sup>(۳)</sup>

### اهمیت و ضرورت

اعطای بینش از چند جهت اهمیت و ضرورت دارد:

اولاً: خود آگاهی و بصیرت موضوعیت دارد و به عنوان یک ارزش مطرح است انسان آگاه و با معرفت و دارای علم و آگاهی بهتر و با ارزش تر از انسان فاقد دانایی و شناخت است. آیات و روایات زیادی به این مساله اشاره دارد.

قرآن کریم: «قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابرند؟ زمر/ ۹.

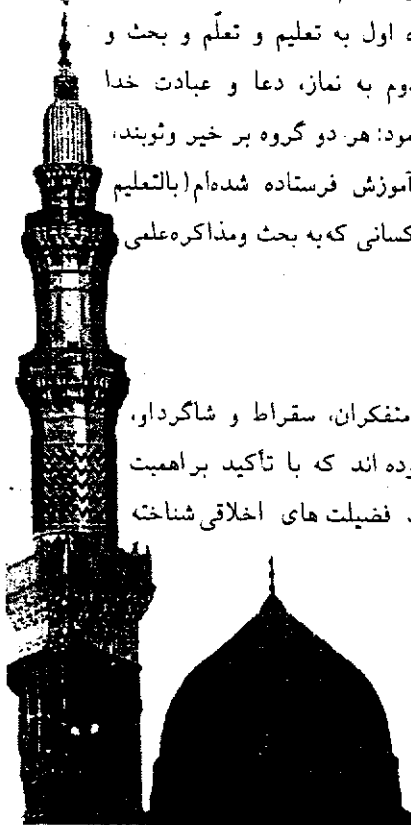
اصولاً: ارزش و اصالت انسان به همان افکار عقاید و شناخت و معرفت آن می باشد از کاشف الغطاء نقل نموده اند که فرموده: «الاتسان آراءه و افکار لاصورته و اعضاء»<sup>(۴)</sup> انسان همان عقاید و افکارش می باشد نه صورت و اعضاء پیکرش.

ثانیاً: آگاهی و بصیرت زمینه ساز خیلی از کمالات و ارزشها است طبق این حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» معرفت و شناخت انسان از خودش، موجب شناخت خداوند می شود.

روزی پیامبر گرامی اسلام(ص) وارد مسجد و با دو گروه روبرو شد: گروه اول به تعلیم و تعلم و بحث و مذاکره علمی و گروه دوم به نماز، دعا و عبادت خدا مشغول بودند. حضرت فرمود: هر دو گروه بر خیر و ثوبند، ولی من برای تعلیم و آموزش فرستاده شده ام(بالتعلیم أرسلت) و سپس در جمع کسانی که به بحث و مذاکره علمی مشغول بودند، نشست(۵)

### پیشینه بحث

در میان فیلسوفان و متفکران، سقراط و شاگرد او، افلاطون نخستین کسانی بوده اند که با تأکید بر اهمیت دانایی و بینش در کسب فضیلت های اخلاقی شناخته شده اند.



سقراط دانش را بنیاد هنر اخلاقی می شمرد و بر این باور بود که اگر آدمی حقیقت نیک و بد را بشناسد، به بدی نخواهد گرایید «بد» کاری از روی نادانی است و کسی دانسته بد نمی کند. از این روست که برای سقراط فلسفه حقیقی همان «فلسفه اخلاق» است و پس آموزش بنیادی افلاطون نیز همچون استادش، سقراط، آن است که هنر اخلاقی نتیجه دانش و بینش است و...

این اندیشه همچنان در طول تاریخ تا کنون رواج داشته و حتی در دوران معاصر، موضوع بررسی ها و تحقیقات تجربی قرار گرفته است. از جمله کسانی که به قرن اخیر به بررسی رابطه بینش اخلاقی و رفتار اخلاقی باروش تجربی پرداخته اند کهلبرگ است (۶)

علاوه بر تفکرات و اندیشه های بشری در این زمینه؛ انبیاء به ویژه نبی مکرم اسلام اهتمام جدی بر رشد و شکوفایی بعد شناختی و قوه تفکر و تعقل انسان ها داشته اند در آیات زیادی از قرآن کریم دعوت به تفکر و تعقل، علم و آگاهی مورد تأکید قرار گرفته اند.

پیامبر اکرم (ص): «ان مثل العلماء فی الارض کمثل النجوم فی السماء یهتدی بها فی ظلمات البر والبحر، فاذا انطمست او شک ان تضل الهداة» (کنز العمال ص ۱۵۱ شماره ۲۸۷۶۹)

مثل عالمان در زمین مثل ستارگان آسمان است که بدانهادر تاریکیها، در خشکی و دریا، راه را می یابند ستارگانی که هر گاه ناپیدا شوند راه یافتگان به گمراهی افتند.

پیامبر اکرم (ص): ما اهدی المرء المسلم الی اخیه هدیه افضل من کلمه حکمه یزیده الله بها هدیه ویرده عن ردی» کنز العمال ص ۱۴۴.

هیچ مسلمانی به برادرش هدیه ای برتر از سخن حکیمانه ای که خداوند بدان بر هدایت او بیفزاید و او را از کجی باز دارد هدیه نکرده است.

### موارد اعطای بینش

البته اعطای بینش با توجه به تربی و روش های که مربی انتخاب می کند متفاوت است. مربی می تواند روشهای گوناگون را به کار گیرد ولی در روش تربیتی انبیاء بیشتر مواردی مورد تأکید قرار گرفته اند که نقش زیر بنای دارند پایه و اساس سایر تفکرات، جهان بینی و طرز تلقی انسان را شکل می بخشند و با وجود آنها است که سایر ابعاد و زوایای زندگی انسان معنا و مفهوم پیدا می کنند، مناسبترین روش در این گونه موارد، روش شناختی و آگاهی بخشی است.

پرداختن به تمام آن موارد مجال و فرصت بیشتری را می طلبد در این نوشتار به پاره از مهمترین موارد اعطای بینش که در سیره تربیتی پیامبر اعظم (ص) مورد توجه قرار گرفته اند پرداخته می شود.

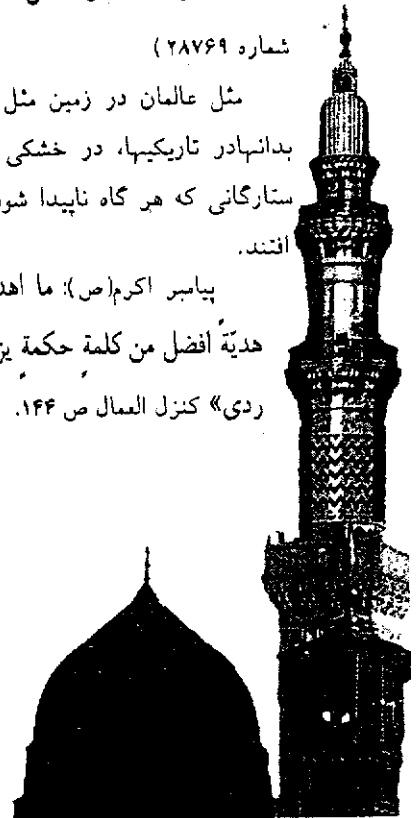
### ۱- خداوند

#### الف) توحید و یگانگی خداوند.

توحید و یگانگی خداوند از مهمترین رسالت انبیاء بوده است که همواره سرلوحه کار آنان بوده و اهتمام جدی به آن داشته اند قرآن کریم از زبان عده ی از انبیاء خطاب به مردم عصرشان می فرماید: «قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَ فِی اللّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» ابراهیم / ۱۰.

آیا (باوجود دلایل بسیار بر توحید ذات و صفات) درباره خداوند که آفریدگار و پدید آورنده آسمانها و زمین است تردیدی وجود دارد؟

قرآن از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) خطاب به قوم بت پرستی می فرماید: «قَالَ يَلِ رَبِّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَالِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» انبیاء / ۵۶.



گفت پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است که آنها را ایجاد کرده و من بر این امر، از گواهانم. مشرکین معتقدند که یک و یا چند الله وجود دارند مشرکین خداوند متعال را اله خود و اله آسمانها و زمین نمی دانند.

و حضرت ابراهیم (علیه السلام) با این تعبیر «قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ» مذهب مشرکین را در الوهیت از همه جهاتش رد کرده و اثبات نموده که هیچ معبودی جز خداوند متعال نیست و این همان توحید است. (۷)

در منابع دینی، شواهد بسیاری گواهی می دهد که محور دعوت پیامبران الهی (علیهم السلام) در طول تاریخ، توحید بوده است و همه تعالیم آنان بر همین اصل اساسی باز می گردد. از آیات قرآن مجید، که به بیان هدف بعثت انبیاء (علیه السلام) پرداخته است، این نکته به خوبی بدست می آید که روح دعوت انبیاء (علیهم السلام) توحید تسلیم بودن در برابر خدا بوده است.

هدف رسالت بعثت پیامبران در نظر شهید مطهری دوچیز بوده است: دعوت به توحید نظری و عملی هر دوی این دو هدف در حقیقت به یک چیز یعنی همان توحید بر می گردد.

علامه طباطبائی روح حاکم بر همه آیات قرآن را توحید می داند قرآن به همه تفصیلات و جزئیاتش بر یک اصل اساسی مبتنی است که بنیان دین نیز بر آن قرار گرفته و آن «توحید» است یعنی در واقع تفاسیل ذکر شده در قرآن، بیان فروع این اصل بنیادی است. (۸)

### ب) علم خداوند

یکی دیگر از موارد اعطای بینش در روشهای تربیتی پیامبران بویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) علم خداوند است اینکه خداوند متعال بر همه چیز احاطه دارد و همه عالم در محضر او است. قرآن کریم در آیات متعددی از علم و آگاهی خداوند خیر می دهد «و الله بكل شیء علیم» بقره/ ۲۸۲. خداوند بر همه چیز آگاه است.

«يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» حدید/ ۴.

آنچه در زمین در آید (مانند مردگان) و آنچه از آن خارج شود (مانند گیاهان) و آنچه از آسمان نازل می شود (مانند وحی) و آنچه در آن بالا می رود همه را خداوند متعال می داند (به سبب علمی که دارد) هر کجا باشید او با شما است و خداوند هرچه می کنید بینا است.

حضرت علی (علیه السلام) درباره گسترش علم الهی می فرماید: خداوند از نعره حیوانات وحشی در کوه ها و بیابان ها و گناه و معصیت بندگان در خلوتگاه و رفت و آمد ماهیان در دریاها ژرف و بهم خوردن آنها بر اثر بادهای سخت آگاه است. (۹)

قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم خطاب به قوم بت پرستش می فرماید: «وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» انعام/ ۸.

و من از آنچه شما هستای (خدا) قرار می دهید، نمی ترسم و به من زیانی نمی رسانند) مگر پروردگارم چیزی را بخواهد، وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز را در بر می گیرد آیا متذکر نمی شوید.

### ج) قدرت خداوند

یکی دیگر از موارد اعطای بینش در مورد خداوند قدرت او است اگر انسان بر این باور و عقیده باشد که خداوند متعال دارای قدرت مطلق است و تمام هستی با قدرت او اداره می شود اگر انسان به این مسأله بصیرت و آگاهی لازم داشته باشد در زندگی توجه زیادی به خداوند خواهد داشت در امورات زندگی خود همواره از او کمک و مدد می خواهد.



آیاتی زیادی به قدرت خداوند اشاره دارد «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» طلاق / ۱۲.

خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین نیز همانند آنها را، فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می آید تا بدانید خداوند بر هر چیز توانا است.

### د) فیض خداوند

فیض و افاضه خداوند مورد دیگری است که بینش و بصیرت درباره آن ضروری است انسان باید به این مسأله توجه و دقت داشته باشد که اگر لحظه فیض خداوند نسبت به انسان قطع شود و انسان از این نعمت بزرگ خداوند محروم شود زندگی به پایان خواهد رسید و دیگر دوام و استمرار نخواهد داشت.

قرآن کریم از زبان حضرت نوح خطاب به قومش می فرماید: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيِّنٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» نوح / ۱۲ و ۱۰.

از پروردگار خویش آموزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما نازل کند و شما را با اموال و فرزندان کمک کند و باغهای سرسبز و نه‌رهای جاری در اختیار تان قرار دهد. همچنین از زبان حضرت هود (علیه السلام) خطاب به قومش می فرماید: «وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» هود / ۵۲. وای قوم من! از پروردگار تان طلب آمرزش کنید، سپس به او باز گردید تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد.

آیات فوق اشاره دارد که به دنبال هرکار خیری از جمله استغفار، فیض خداوند، رزق و روزی او و سایر برکات از طرف خداوند بر انسان نازل می شود.

### آثار تربیتی

چنانچه گفته شد پیامبر گرامی اسلام و سایر انبیاء (ع) اساسی ترین و بنیادی ترین مسائل (توحید، قدرت، علم و فیض) خداوند را به مردم آموزش دادند درک و شناخت این موارد چندین اثر تربیتی را به دنبال دارد:

الف) توجه انسان همواره بر یک محور معطوف می شود از اعتقاد به چندین معبود مصون می ماند.

ب) انسان همیشه خودش را در محضر خداوند احساس می کند لذا جلو بسیاری از انحرافات او گرفته می شود.

ج) با توجه به قدرت خداوند، انسان هیچگاه ترسی جز از خداوند به دل راه نمی دهد و در همه امور به او توجه دارد.

د) فیض خداوند این امید را به انسان می دهد که در لحظه لحظه ای زندگی احساس کمبود نکند و خودش را متکی به کسی بداند که او فیاض مطلق است.



## ۲- انسان

یکی دیگر از موارد اعطای بینش انسان است از آنجای که انسان ابعاد گوناگون و پیچیده دارد شناخت آن کاری دشوار و سخت می باشد به این جهت نظرات مختلف و بر داشت های متفاوت درباره آن وجود دارد. پرداختن به همه نظرات در حوصله این نوشتار نیست. آنچه در این نوشتار به آن اشاره می شود دیدگاه اسلام درباره برخی از ویژگیهای انسان است.

از دیدگاه اسلام انسان یگانه موجودی است که ابعاد وسیع و خصوصیات گوناگون دارد انسان تنها موجودی است که نیروهای متضاد و متفاوت را در خود جای داده است به گفته استاد مطهری «قرآن، انسان را مدح ها و ستایش ها کرده و هم مذمت ها و نکوهش ها نموده است عالی ترین مدحها و بزرگترین مذمتهای قرآن درباره انسان است او را از آسمانها و زمین و از فرشته برتر و در همان حال از چهارپایان پست تر شمرده است از نظر قرآن انسان موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد و فرشتگان را به خدمت خویش بگمارد و هم می تواند به «اسفل السافلین» سقوط کند» (۱۰)

در قرآن کریم طبیعت و ماهیت، صفات و ویژگیهای انسان به گونه های مختلف بیان شده است هر یک از آنها جایگاه و اهمیت خاصی به انسان می بخشد و او را از سایر موجودات جدا می سازد برای نمونه به برخی از آنها اشاره می گردد.

### الف) ماهیت دوگانه انسان

انسان دارای جسم و روح است به عبارت دیگر طبیعت و ماهیت انسان را از یک طرف عناصر مادی و خاکی تشکیل می دهد و از طرف دیگر عناصر معنوی و روحی که اولی به صورت محسوس است و بدن نامیده می شود و دومی غیر محسوس است که از آن تعبیر به روح می گردد.

آیات متعددی بر ابعاد مادی و آفرینش انسان پرداخته است و اینکه خداوند انسان را از خاک و گل و خون آفریده و بخشی از عناصر وجودی او را از خاک است. «فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ» حج / ۵. ما شما را از خاک آفریدیم.

در آیه دیگر آمده است «إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ»

صافات / ۱۱.

ما آنها را از گل چسبنده ای آفریدیم. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ» حجر / ۲۶. ما انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال که از گل بد بوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم.

از این آیات بر داشت می شود که جسم انسان از عناصر مادی آفریده شده است و بخشی از وجود انسان را چیزهای مانند خاک، خون، گل و... تشکیل می دهند که همه جنبه ای مادی دارند.

آیات دیگری در قرآن وجود دارد که بُعد روحی و معنوی انسان را بیان نموده است «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» حجر / ۲۹. هنگامیکه آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای آن به سجده افتاد. «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَبَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِي» سپس اندام او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید.

از این بدست می آید که بخشی از وجود انسان را یک امر معنوی تشکیل می دهد که روح باشد اما اینکه حقیقت این روح چیست؟ چندان روشن نیست آنچه می دانیم ملین است که چون افاضه ای است از روح الهی، عنصری است ملکوتی، شریف و فناناپذیر، بطول کلی واقعیت این است که یک بُعد انسان را چیزی معنوی و ماوراء ماده تشکیل می دهد که از آن تعبیر به روح می گردد و این روح منسوب به خداوند می باشد دارای اهمیت و ارزش بالای است.

در اعطای بینش باید این مسأله مورد تأکید و توجه قرار بگیرد که انسان تنها ماده و جسم نیست بلکه مرکب از جسم و روح است و اصالت انسان را همان بُعد معنوی و روحی او تشکیل می دهد.



۵۸۴۹

## ب) آزادی و اختیار انسان

از ویژگیهای مهم انسان آزادی و اختیار است «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا» انسان / ۳. ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس.

در این آیه دو نکته حائز اهمیت است:

۱. مراد از سبیل سنت و طریقه ای است که بر هر انسانی واجب است که در زندگی دنیائش آن را ببیند و با پیروی آن به سعادت دنیا و آخرت برسد.
۲. آن سبیل (راه) که خدا به آن هدایت کرده راهی است. اختیاری، شکر و کفر که مترتب بر این هدایت است. در اختیار انسان قرار گرفته هر فردی به هر یک از آن دو که بخواهد می تواند متصف شود و اکره و اجباری در کارش نیست (۱۱)

«وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» بلد / ۲. و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم، برخی در تفسیر این آیه گفته اند که جمله «هدیناهُ النجدین» علاوه بر اینکه مسأله اختیار و آزادی اراده انسان را بیان می کند در عین حال انتخاب راه با خود انسان است. اوست که می تواند چشم و زبان را در مسیر حلال یا حرام به گردش در آورد و از جاده خیر و شر هر کدام را بخواهد برگزیند.<sup>(۱۲)</sup>

آیات اشاره دارد که انسان در انتخاب مسیر آزاد است در اعطایی بینش باید این مسأله مورد توجه مریبان قرار بگیرد که انسان موجودی آزاد می باشد و نمی توان چیزی را بر آن تحمیل کرد.

## ج) استعداد علمی انسان

یکی دیگر از ویژگی های انسان از دیدگاه قرآن، ظرفیت علمی و استعداد یادگیری انسان است. چنین چیزی در داستان آفرینش انسان و تعلیم اسماء به او ترسیم شده است «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ» بقره / آیات ۳۱ تا ۳۳.

(خداوند) سپس علم اسماء را همگی به آدم آموخت.

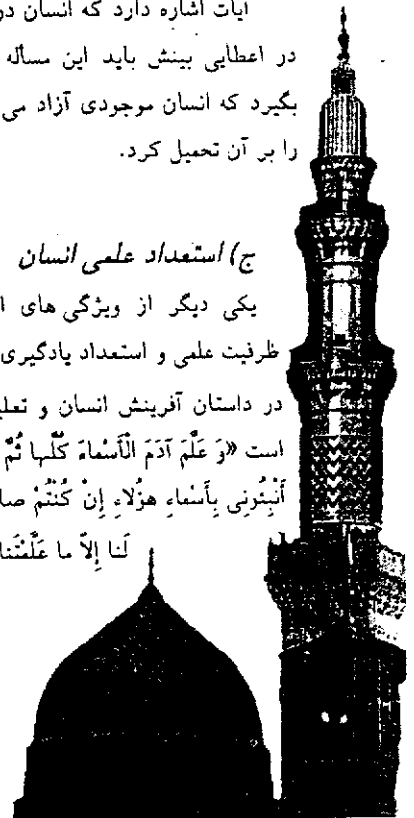
فرمود ای آدم آنها را از (اساسی و اسرار) این موجودات آگاه کن، هنگامی که آنها را آگاه کرد خداوند فرمود: نگفتم من غیب آسمانها و زمین را می دانم و نیز می دانم آنچه را شما آشکار می کنید یا پنهان می داشتید. از این آیات فهمیده می شود که یگانه موجودی که توانست بیاموزد و قابلیت یادگیری دارد انسان است بر خلاف فرشتگان که چنین استعدادی را ندارند، در باره خلقت و آفرینش انسان خداوند فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» تین / ۴. ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم.

در تفسیر این آیه آمده است که تقویم به معنای در آوردن چیزی به صورت مناسب، و نظام معتدل و کیفیت شایسته است و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و عقلی، چرا که هر گونه استعداد را در وجود او قرار داده و او را برای پیروی قوس صعودی و نزولی بسیار عظیمی آماده ساخته است<sup>(۱۳)</sup>

## د) فطرت الهی انسان

انسان با قطع نظر از هرگونه گرایش های دینی، فکری، فرهنگی و... احساس خاصی نسبت به خداوند و پذیرش دین و معنویت دارد به عبارت دیگر در وجود انسان نوعی شناخت و گرایش نسبت به خداوند و تمایلی عالی به نام تمایل به پرستش وجود دارد که بر اساس آن انسان خودش را به حقیقتی وابسته و پیوسته می داند و می خواهد به این حقیقت نزدیک شده او را تسبیح و تقدیس کند این حقیقت همان فطرت الهی است<sup>(۱۴)</sup>

آیاتی فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که به فطری بودن دین و مذهب بلکه به وجود وجدان طبیعت در انسان گواهی می دهند فراوان است از جمله این آیه «فَأَنمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» روم / ۳۰.



### ۳. دنیا

از آنجای که انسان طبق آموزه های اسلام حیات اولی اش در دنیا است و زندگی در دنیا مقدمه ای برای زندگی آخرت است نوع زندگی در دنیا، کیفیت و ماهیت آن بالاخره تمام اعمال و رفتار انسان در دنیا تأثیر مستقیم بر زندگی، اجر و پاداش آخرت دارد از این رو بسیار مهم است که انسان حقیقت دنیا را بفهمد و نسبت به آن علم و آگاهی داشته باشد در عین حال که اصالت و جاویدانگی را به زندگی در آخرت می دهد.

از امتیازات و نعمت های دنیا نیز بهره مند باشد. از این رو یکی از موارد مهم که نیاز به شناخت و معرفت، بینش و آگاهی دارد دنیا است.

قرآن کریم چندین ویژگی را برای دنیا بر می شمارد، توجه به این ویژگی های دنیا نوع رفتار و دلبستگی ما را به دنیا نیز ترسیم می کند که تا چه اندازه به دنیا بها بدهیم به آن تعلق و دلبستگی داشته باشیم.

قرآن کریم می فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ» حدید / ۲۰.

بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و ترحل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است.

در مجموع پنج چیز را برای دنیا بیان نموده است:

۱. لعب و بازی - ۲. لهو و سرگرمی ۳. زینت و آرایش
۴. فخر فروشی به حسب و نسبت ۵. افزون طلبی در اموال فرزندان.

انسان تا وقتی که کودک است در این دنیا به لعب و بازی می پردازد و هنگامی که به نوجوانی رسید مشغول لهو و سرگرمی می شود وقتی جوان شد به آرایش و زینت روی می آورد، و در سن کهنولت به فخر فروشی به حسب و نسبت روی می آورد و در هنگام سال مندی به افزون طلبی در اموال و فرزندان می پردازد.<sup>(۱۵)</sup>

در آخر همین آیه می فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.

پس روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسان را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست.

«وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا» اعراف / ۱۷۲.

و به خاطر بیاور زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را بر گرفت آنها را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند چرا! آری گواهی می دهیم.

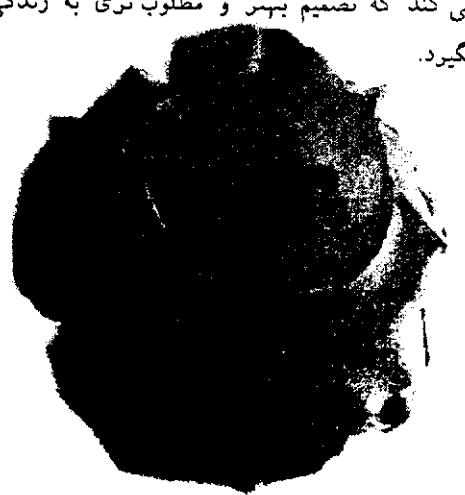
این آیه می رساند که انسان ربوبیت خداوند را پذیرفته است و نسبت به آن اعتراف دارد به ویژه احساس انسان نسبت به خداوند وقتی بیشتر می شود که در موقعیت های حساس قرار گیرد فطرت الهی و خداجویی در وجود او بیدار می شود آیه ای از قرآن به انی مساله اشاره نموده است.

«فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَاوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» عنکبوت / ۶۵.

هنگامی که بر کشتی سوار شوند خداوند را پاک دلانه خوانند و چون آنان را به خشکی رسانند و نجات شان داد ناگاه شرک ورزند.

البته در قرآن کریم صفات زیادی را برای انسان ذکر نموده است که پرداختن به همه آنها از حوصله این نوشتار برون است و آنچه ذکر شد فقط نمونه از صفاتی است که قرآن کریم برای انسان آمده است. آنها صفات و ویژگیهای که جنبه ارزشی دارد.

آگاهی و شناخت به این ویژگی ها به انسان کمک می کند که تصمیم بهتر و مطلوب تری به زندگی خود بگیرد.



سجل دوم - شماره های ۱۱ و ۱۲ - بهمن و اسفند ۱۳۸۵ ش (مهر و مومض ۱۳۸۸ ق)

۴۸



۵۸۵۱



«وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي  
 الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» شورا / ۲۰.

هر کس (فقط) کشت و دنیا را می خواهد از آن به او  
 می دهیم و در آخرت نصیبی ندارد.

«وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ» انعام / ۳۲.

دنیا جز بازیچه و سرگرمی نیست.

باوجود مذمت دنیا در این آیات، آیاتی دیگری از قرآن  
 کریم وجود دارد که به نوعی دنیا مورد ستایش قرار گرفته  
 است. قرآن کریم می فرماید: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ  
 الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» قصص / ۷۷.

و در آنچه خدا به تو داده سرای آخرت را بطلب و  
 بهره ات را از دنیا فراموش مکن.

در آیه دیگری آمده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ  
 الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَ كُلُوا مِنْ رِزْقِهِ» اوست  
 خدایی که زمین را چنان قرار داده که هر گونه تصرفی در  
 آن آسان و ممکن است، پس در زمین پراکنده شوید و در  
 آن از آنچه خداوند روزی شما ساخته است، بجوید.

در این آیات افراد مورد تشویق قرار گرفته است که از  
 مواهب دنیا استفاده کنند.

امام علی (علیه السلام) فرموده است:

«أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ صَدَقَ لِمَنْ صَدَقَهُ وَ دَارُ الْعَاقِبَةِ لِمَنْ فَهَمَ  
 عَنْهَا وَ دَارُ غَنِي لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ انْعَمَ  
 بِهَا...»

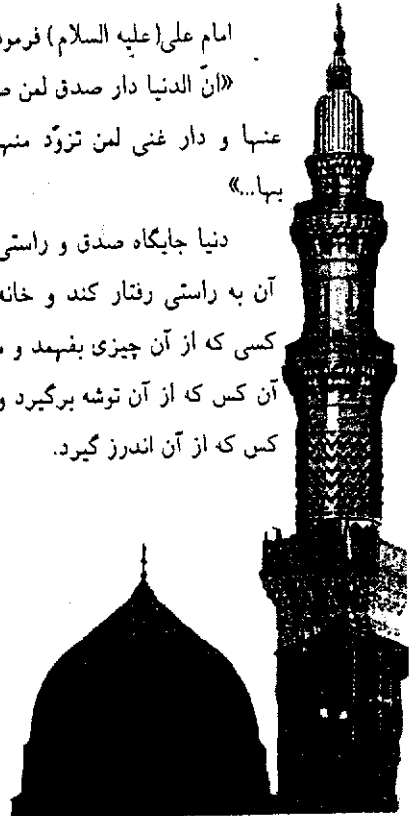
دنیا جایگاه صدق و راستی است برای آن کس که با  
 آن به راستی رفتار کند و خانه نندرستی است، برای آن  
 کسی که از آن چیزی بفهمد و سرای بی نیازی است برای  
 آن کس که از آن توشه برگیرد و محل اندز است، برای آن  
 کس که از آن اندرز گیرد.

با توجه به آیات و روایات دو نوع تلقی و برداشت از  
 دنیا اسکان پذیر است برخی آیات چنانچه اشاره شد چهره  
 دنیا را منفی نشان داده است که نباید به آن دل بست.  
 برخی آیات دیگر چهره دنیا را مثبت نشان داده و به  
 بهره گیری از آن توصیه نموده. پس چه باید کرد؟

واقعیت مسأله این است که برخورد با دنیا و مواجهه  
 به آن نه به طور مطلق مثبت است و نه منفی به عبارت دیگر  
 دنیا اساساً خوبی خوب یا بدی بد نیست بلکه بستگی به نوع  
 استفاده ما از آن است اگر دنیا را هدف بدانیم و زندگی را  
 محصور در آن بدانیم مواهب دنیا را مایه غرور و فخر  
 فروشی و... بدانیم، این همان چهره منفی دنیا است، اما اگر  
 دنیا را زمینه ساز آخرت دانستیم و از آن برای زندگی در  
 آخرت استفاده کردیم و در حد و گستره خود دنیا، از دنیا  
 بهره بردیم این کار مثبت است، از این راه معرفت و بینش  
 ما نسبت به دنیا واقع بینانه باشد.

در قرآن کریم آمده است «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْغِيَاةِ  
 الدُّنْيَا كَمَا أَتْرَكْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ  
 هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ» کهف / ۴۵.

در این آیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)  
 دستور می دهد که دنیا را طبق یک مثال معرفی نماید  
 «برای مردم درباره زندگی دنیا مثل بزنی دنیا به آب بارانی  
 می ماند که از آسمان نازل کردیم و بوسیله آن گیاهان را  
 در زمین می رویانیم، منظره سرسبز گیاهان و شاخ  
 برگ های که بهم پییده اند انسان را شیفته خود  
 می گرداند و او را بدان صحرای و نمایشای بهار می کشاند،  
 اما سبزه ها و گل های بهاری دیری نیم پاید و سر انجام  
 خشک می شود و به صورت خار و خاشاک می گردد و  
 بوسیله باد به این طرف و آن طرف پرتاب می شود.



## نتیجه گیری

یکی از روشهای تربیت روش شناختی و اعطای بینش از طرف مربی به متربی است در این روش مربی متربی را به اساسی ترین امور آشنا می سازد. در سیره تربیتی پیامبر گرامی اسلام که عنوان مربی و معلم را بر تمام انسانها دارد، با توجه به آیات قرآن کریم پی می بریم که آن بزرگوار با معجزه جاویدانه اش اساسی ترین و بنیادی ترین مسائل را به انسان تعلیم داده است.

اگر انسان به این مسائل اساسی (خدا، انسان، دنیا) آگاهی و شناخت کافی داشته باشد جوانب و ابعاد آنرا درک نماید، آنوقت می تواند مسیر زندگی را به خوبی طی نماید و به کمال مطلوب برسد.

## پی نوشت ها:

۱. فرهنگ فارسی عمید ج ۱.
۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۸ ترجمه محمد دشتی.
۳. شرح و تفسیر لغت قرآن براساس تفسیر نمونه ج ۱ ص ۲۰۷.
۴. کاشف الغطاء، اصل الشیعه و اصولها، به نقل از تفسیر نمونه ج ۱۸ ص ۲۷۹.

۵. بحار الانوار ج ۱ ص ۲۰۶ (به نقل از سیره ی تربیتی پیامبر (ص) و اهلبیت (ع) ص ۱۶.
۶. ر، ک: مجله معرفت شماره ۶۹ ص ۴۸ «تأثیر بینش بر انگیزش در تربیت دینی».
۷. محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان ج ۱۴ ص ۲۰.
۸. ر، ک: مجله معرفت شماره ۴۴ ص ۱۷ مقاله «تربیت بر مدار توحید».
۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.
۱۰. مرتضی مطهری، مجموعه آثار (۲) انسان در قرآن ص ۲۶۷.
۱۱. ترجمه المیزان ج ۲۰ ص ۱۹۶.
۱۲. مکارم شیرازی و همکاران تفسیر نمونه ج ۲۷ ص ۱۴۴.
۱۳. مکارم شیرازی و همکاران تفسیر نمونه ج ۲۷ ص ۱۴۴.
۱۴. محمود زنجبی، انسان شناسی ص ۱۲۸.
۱۵. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم ج ۱۲ ص ۳۳۲.
۱۶. نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶.

